

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۱۴

شماره مسلسل - ۷۱۹

قیمت اشتراك } سالبانه  
داخله : ۷۰ ریال  
خارجه : ۱۰۰ ریال  
تک شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۱۴ \*

## فهرست مطالب

- |   |   |
|---|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس  | ۵) تقدیم قسمتی از لایحه اصول محاکمات از طرف آقای وزیر عدلیه |
| ۲) بقیه شور دوم لایحه قانون اصول محاکمات حقوقی                        | ۶) بقیه شور لایحه اصول محاکمات حقوقی                        |
| ۳) معرفی آقای وزیر طرق و تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای رئیس الوزراء | ۷) موفغ و دستور جلسه بعد - ختم جلسه                         |
| ۴) بقیه شور لایحه قانون اصول محاکمات حقوقی از ماده ۶۴                 |   |

(مجلس يك ساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۱ دی را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

محکوم به را در صورتی خواهد داشت که در وکالت

تصریح شده باشد

رئیس - آقای دیبا

دیبا - بنده در ماده بعد عرض دارم

رئیس - موافقین با ماده ۶۱ قیام فرمایند -

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده شصت و دو

قرائت میشود.

ماده ۶۲ - اگر موکل وکیل خود را معزول کنند

باید هم به وکیل و هم به محکمه اطلاع دهد عزل

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر) صورت

مجلس تصویب شد

### [ ۲ - بقیه شور دوم ]

#### لایحه قانون اصول محاکمات حقوقی

رئیس - شور دوم خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع

بقانون اصول محاکمات از ماده ۶۱ به بعد مطرح است

ماده ۶۱ - وکیل در محاکمه حق تقاضای

صدور ورقه اجرائیه و تعقب عملیات اجرائی و اخذ

\* عین مذاکرات مشروح سی و هشتمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه - آقای هدایت

غائب بی اجازه - آقای میرزائی

عذر آهنگران بی اجازه - آقایان : مؤید انواری - دکتر انهم - بیکور - وکیلی - مسعودی خراسانی - لبقوانی - بیات مرانی - بیات ماکو - دکتر طاهری

وکیل مانع از جریان محاکمه نخواهد بود اظهار شفاهی در عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضاء موکل برسد.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - این ماده اعم است از اینکه موکل وکیل خود را قبل از جلسه محاکمه یا در اول جلسه یا وسط جلسه میتواند عزل کند و همینکه عزل کرد آنوقت دیگر وکیل حق مداخله ندارد این ماده اگر با این ترتیب تصویب شود ممکن است که برای مدعی یا مدعی علیه يك بهانه برای تأخیر جلسه پیدا شود مثلاً فرض بفرمائید بکنفر مدعی است یا مدعی علیه چون می بیند دارد محکوم میشود برای اینکه جلسه را تعطیل کند فوراً وکیل را عزل میکند وقتی که عزل کرد محکمه مجبور است که خودش محاکمه کند آنوقت ممکن است بگوید من چون وکیل ندارم نمیتوانم محاکمه کنم آنوقت محکمه مجبور است که تجدید جلسه کند و ممکن است این تجدید جلسه دوسه ماه طول بکشد این است که باید در این ماده شرط کرد که موکل اگر خواست وکیل را عزل کند در اول جلسه باید عزل کند نه در وسط جلسه یعنی قبل از شروع بمحاکمه

نقابت (مخبر کیمسیون) - خاطر آقای دیبا مستحضراست که وکالت عقدی است جایز و بنا بر این وکیل در هر مرحله از مراحل و هر ساعتی از ساعات محاکمه میتواند استعفا کند و همچنین موکل حق دارد در هر ساعتی از ساعات وکیل خود را عزل کند و اگر بنا باشد قید کنیم در يك ساعت معین میتواند وکیل خودش را عزل کند این برخلاف مقتضای عقد است زیرا موکل همیشه میتواند وکیل خودش را عزل کند

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده هم در این ماده کم و بیش همان نظری را دارم که تقریباً آقای دیبا داشتند نهایت تأمل کردم ببینم از جواب آقای مخبر اقتناع میشوم. خیلی فکر کردم راجع باین موضوع هنوز قانع نشده ام انشاء الله بعد میشوم

عرض میکنم بطوری که آقای مخبر فرمودند که نمیشود يك وقت معین را تعیین کرد برای موکل یا وکیل که در فلان روز و فلان ساعت موکل حق عزل وکیل را دارد این صحیح است و اینرا هم نمیشود بر وکیل تحمیل کرد که تو مبیاید يك ساعت قبل از ظهر فلان روز از وکالت موکل استعفا کرده باشی و اگر نکردی تو نمی توانی مادام العمر یعنی تا زمانی که محاکمه در جریان است استعفا کنی اینرا نمیشود بر وکیل تحمیل کرد از آن طرف هم نظائر در عمل خودش يك رویه ایست که همه را آشنا میکند بيك مشکلاتی که در حین عمل برای يك کسی اتفاق افتاده است یا ممکن است برای خودشان اتفاق نیفتاده باشد یا اتفاق افتاده باشد غالباً از صد قضیه ممکن است در ده قضیه يك موکل پیدا شده است که نخواسته است فلان آدم وکیلش باشد یا اینکه بعضی وکلا يك کارها و گرفتاریهایی داشته اند که نخواسته اند قبول کنند ولی هشتاد قضیه اش از واقعات این طور است که تباخی بین وکیل است و موکل برای خاطر تفریط و تضییع يك حقوقی یا موکل او را عزل میکنند یا او از وکالت يك موکلی استعفا میدهد این را بعقیده بنده با يك رویه مناسبتری آقای مخبر يك قدری تنزیل بدهند، آقای دیبا هم يك قدری ترقی فرمایند و يك رویه مناسبتری در این ماده در نظر گرفته شود که حقوق خلق عاقل و باطل نشود فلسفه تمام این قوانین و جعل جمیع این مواد برای این است که حقوق خلق محفوظ بماند از افراط و از تفریط و بازی و تباخی حقوق خلق از بین نرود اصل تمام این قوانین و جعل همه این مؤسسات برای این منظور است حالا که برای این منظور است يك رویه معتدل تری برای این منظور ممکن است در نظر گرفت مثلاً الان هم محاکم استینافمان روی هم رفته اوقاتی که میدهند سه ماه است چهار ماه است حالا ممکن است يك قضیه دو ماه و نیم و يك قضیه پنج ماه بشود اما حد معتدلتش این است یا در اوقات محاکم بدایت که مشاهده میفرمائید رویهم رفته وقت دادش دو ماه سه ماه است یا در نیمه نه ماه و هشت ماه است اگر بنا شود من آدم که يك طلبی دارم از يك کسی وقتی در محکمه

استیناف هم چهار ماه بعد وقت داده است برای رسیدگی حالا سر ساعت چهار ماه جناب وکیل رفت از وکالت استعفا کرد یا اینکه موکل او را از وکالت مستعفی دانست آنوقت وقتی که جلسه محاکمه تشکیل شد باز تجدید جلسه میشود شش ماه بعد چهار ماه بعد البته تصدیق میفرمائید که این موجب تضییع يك حقوقهایی میشود بنا بر این ممکن است آقای دیبا يك رویه معتدل تری پیشنهاد کنند و آن پیشنهاد را آقای مخبر هم ملاحظه بفرمایند و يك جرح و تعدیلی درش بفرمایند تا يك رویه متعارفی بدست بیاید نه حقوق خلق ضایع شود و نه تحمیل بر وکیل و موکل شود باین معنی که تو موظفی فلان روز استعفا کرده باشی و تو هم موظفی که فلان وقت او را عزل کرده باشی حالا اگر پیشنهاد شان را آقای دیبا تهیه فرمایند ممکن است اصلاح شود

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده نطق آقای دیبا را خوب دقت کردم و نطق آقای او رنگ را. لیکن هیچ تصور ننکردم که چطور تصور و فرض این را کردند که این پیشنهاد را بفرمایند بنده لازم میدانم اولاً يك اصل کلی را عرض کنم و آن این است که قانون اصول محاکمات قانون طرز محاکمه است غیر از این نیست یعنی معین میکند که کدام محکمه صلاحیت دارد برای فلان دعوی تا چه حد مال صلاحیه است تا چه حد مال ابتدائی است بعد برود باستیناف بعد تمیز بالاخره جریان محاکمه را تا اجراء و تمام قانون اصول محاکمات ما راجع بجریان محاکمه است نه راجع به اصل قضاوت اصل قضاوت مربوط به قانون مدنی است روی آن اصول ما باید قانون بنویسیم شما در قانون مدنی می نویسید که وکالت از عقود جایزه است جائز یعنی چه جایز آن عقدی است که طرفین هر ساعتی میتوانند آن را فسخ کنند مقابل عقد لازم است مگر اینکه از طرفین باشد مثل بیع اجاره رهن اما عقد جائز عقدیست که يك طرف می تواند فسخ کند پس وکیل و موکل

هر دودر هر ساعت مجازند فسخ کنند حالا ما چطور جلوی این را بگیریم که در چه موقع حق دارد و در فلان موقع حق ندارد اولاً این مخالف با اصل کلی است و آخر ماده چه نوشته نوشته است استعفا وکیل مانع از جریان محاکمه نیست یعنی باید همان ساعت محاکمه در جریان باشد یا خودش محاکمه کند یا وکیل دیگری بگیرد آزاد است آقا (دیبا) حاضر نیست وکیل (وکیل همیشه حاضر است بقول معروف گفت کلاغ هیچوقت توی چاه نمی افتد

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - يك اشتباهی آقای دیبا فرمودند بعقیده بنده وارد نیست ولی نه بآن علتی که آقای مخبر فرمودند و نه بآن علتی که آقای مؤید احمدی فرمودند که وکالت از عقود جایزه است و اینکه عرض کردم اشکال آقای دیبا وارد نیست بعلمت دیگری است که تا کنون محاکم هم این طور عمل کرده اند و راه حلی هم غیر از این نداشته اند این عزل وکیل دو طریق دارد یعنی در دو مرحله ممکن است اتفاق افتد یا در وسط محاکمه یا در حین محاکمه وکیل را عزل می کنند اگر در حین محاکمه وکیل را عزل کرد که تا کنون هم محاکم این را ترتیب اثر نداده اند و می گویند بکنفر موکل همانطور که حق دارد در جلسه حاضر نشود و محکمه حکم غیابی میدهد این هم وقتی که در وسط محاکمه آمد و بمحکمه اخطار کرد که این وکیل من نیست محکمه این را ترتیب اثر نمیدهد و همانطور عمل میکنند که اصلاً حاضر نشده و حکم غیابی میدهد و این عزل هم هیچوقت موجب تأخیر محاکمه نمیتواند بشود تازه در نتیجه تأخیر این محاکمه ضرری بموکل وارد نمیشود برای اینکه یا برای تجدید محاکمه خود محکمه مجبور بود تجدید جلسه بکند و با اینکه اگر محاکمه تمام شده است حکم را میدهد و این حکم غیابی است و بالاخره از طرف موکل ممکن است باین حکم اعتراض شود ولی اشکال دیگری که ممکن است در وسط محاکمه عزل کند مثل اینکه فرض بفرمایند امروز تجدید جلسه شده است برای دو ماه دیگر

وسط کار یکماه دیگر و کیلتش را عزل کرد از طرف دیگر البته این موکل اگر مطلع بود از جلسه محاکمه میتواند تا روز محاکمه وکیل دیگری معین کند ولی وقتی که اطلاع نداشت میتواند آنوقت آن ایراد باشد که خوب این را عزل کرد آنوقت در جلسه محاکمه چه بکنند ولی این يك جواب دارد آن این است که اگر چه در قانون نیست ولی در نظامنامه که برای وکلاء عدلیه گذشته است و در محاکم هم عمل میشود این است که مطابق نظامنامه هر يك از وکلای عدلیه مکلفند جریانات محاکمه را بموکل خود اطلاع بدهند . امروز یکتفر وکیل رفت و محاکمه کرد و تجدید جلسه شد مکلف است با وسیله کاغذ سفارشی و یا بترتیب دیگری بموکل خود اطلاع دهد که جریان محاکمه بکجا رسیده است بنا بر این یکتفر موکل بر طبق این جریان وزارتی ممکن نیست مطلع از جریان محاکمه خودش نباشد آنوقت یکتفر موکلی که مطلع از جلسه محاکمه هست چنانکه بیاید و در وسط محاکمه عزل کند وکیل خودش را مکلف است تا جلسه محاکمه يك وکیل دیگر نفرستد یا خودش حاضر بیفود ولی اگر وکیل نفرستاد و خودش هم حاضر نشد حکم غیابی صادر می شود و محاکمه هم جریان خودش را دارد پس این اشکالات که آقایان فرمودند وارد نیست .

رئیس - آقای دبیا

**طباطبائی دبیا** - اولاً فرمایشی که آقای دکتر جوان فرمودند که ممکن است در اول محاکمه موکل وکیل خودش را عزل کند و آنوقت حکم غیابی صادر میشود . خود همین مسئله مؤید عرض بنده است که موکل ممکن است با وکیل خود تباہی داشته باشد از برای عقب انداختن جلسه محاکمه فرض بفرمائید که امروز روز محاکمه است و قبلاً معین شده است ولی اینها می بینند که صلاح شان نیست امروز محاکمه بکنند و هر دو هم حاضرند و چهاره هم ندارند اینجا می باید موکل وکیل خودش را عزل می کند و کار را به آقایان موکلین آنوقت فرض بفرمائید که حکم غیابی هم

صادر شد این هم حقیقه يك فرصتی میدهد برای موکل که برای خودش يك چیز دیگری تهیه کنند این است که این فرمایش ایشان مؤید عرض بنده است اما مسئله را که آقای مؤید احمدی فرمودند راجع بوکالت البته وکالت از عقود جائزه است بموجب قانون مدنی و کسی هم در اینجا اشکال ندارد و موکل هر وقت خواست میتواند وکیل را عزل کند ولی وکالت اساساً از عقود است که ذاتاً و بالطبع جائز است ولی بالعرض ممکن است لازم باشد مثلاً در ضمن عقد لازم دیگر وکیل شده است که نتواند عزل کند او را مقصود بنده این است که ممکن است بالعرض ضمن عقد لازم وکیل معین کند پس ممکن است در يك مواردی ما این را قائل بشویم که اگر در اول جلسه محاکمه یا وسط جلسه خواست موکل وکیل خود را عزل کند اینجا با اینکه از عقود جائزه میباشد است ولی بالعرض در اینجا لازم شده باشد مقصود بنده این است .

**مخبر** - اینجا يك مطلب واضحی را بقدری در اطرافش فرض يك شقوقی کردیم که هیچ وارد نبود بنابراین خارج از موضوع این ماده يك مذاکرانی شد که البته ائلاف وقت بود عبارت ماده این است که : در صورتی که وکیل استعفای خود را کتباً به محکمه اطلاع دهد محکمه به موکل اخطار میکند که شخصاً یا بتوسط وکیل جدید محاکمه را تعقیب نماید البته محکمه که حق دارد موکل یا وکیل را به محاکمه بپذیرد وقتی که استعفای وکیل را گرفت تکلیفش چه چیز است ؟ تکلیف او این است که به موکل اخطار کند که وکیل تو استعفا کرده و کسی دیگری را معین کن دیگر قید زمان و قید مکان نشده است نظری هم بتأخیر و تعویق محاکمه نیست البته اینجا يك مقرراتی است که اگر وکیل بخواهد تباہی کند با موکل و تصویب حق کسی را بکند و از یکی از مقررات علیت سه و البته ماده باید اینها يك جریانات دیگری دارد

که بموقع خودش هست اما تکلیف محکمه چیست ؟ بعد از گرفتن استعفا این است که بموکل بگوید وکیلیت رفت از بین و يك وکیل دیگری معین کن این اشکالی ندارد .  
رئیس - آقای عراقی .

عراقی - وکیل مطابق با قوانینی که تا کنون در جریان بوده و در محاکمات معمول بوده است همیشه قابل عزل است منتهاش اینجا يك اصطلاحی آقای دبیا فرمودند و آقای حق بدهم جواب فرمودند که عقدی است جائز یعنی قابل این است که بگوئیم وکیل نیست . اما برای سدا این احتمال که آقا بفرمائید که ممکن است این برای تعویق محاکمه تباہی کند و کیلتش را عزل کند ممکن است از آن طرف هم وکیل بد باشد و اقرار بر علیه موکل خودش بکند این تصور را هم بفرمائید ما که برای تمام موارد و احتمالات که نمیخواهیم قانون وضع کنیم ما میخواهیم شأن وکیل را در اینجا معین کنیم و قاضی را هم تکلیفش را معین کنیم با وکیل . وقتی که ما قبول داریم که در قانون مدنی تصریح دارد که وکالت از عقود جائزه است حالا ما بیائیم و خودمان را در اینجا مقید بکنیم که در ضمن صلح بدو سیر نبات این عقد را لازم بکنیم نه آقا چه لزوم دارد بعد از آنکه محاکمه شد و تکلیف قاضی هم معین بود که بمجرد استعفای وکیل اخطاری کند بری تباہی وکیل دیگر بنده تصور نمیکنم هیچ اشکالی داشته باشد و ما هیچ لازم نیست که وکیل را بگوئیم تعیین کردنش از عقود لازمه است تا نشود عزلش کرد بنده خیال میکنم ماده خیلی خوب تنظیم شده است و تکلیف قاضی را هم معین کرده است و هیچ اشکال هم ندارد .

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات

جمعی دیگر از نمایندگان - کافی نیست

رئیس - آقایانی که با کفایت مذاکرات موافقت قیام فرمایند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . حالا رأی گرفته میشود بماده شصت و دوم آقایان موافقین برخیزند ( عده زیادی برخاستند ) تصویب شد . ماده شصت و سوم ماده ۶۳ - مادام که عزل وکیل با اطلاع او ارسیده است

اقدامات او در حدود وکالت و همچنین ابلاغی که از طرف محکمه بوکیل می شود مؤثر در حق موکل خواهد بود ولی همینکه اطلاع عزل وکیل بمحکمه رسید محکمه دیگر او را در امور راجعه بمحاکمه وکیل نخواهد شناخت .  
رئیس - آقای عراقی .

عراقی - بنده در این قسمت عبارت : مادام که عزل وکیل با اطلاع او ارسیده است الی آخر ماده . عزل وکیل را بنده خیال میکنم طوری باشد که ابتداءً وارد در محاکمه شود که ما گرفتار این اشکال نشویم که بگوئیم اقدامی کرده و حالا ما بخواهیم دیگر اقدام او را خنثی و باطل کنیم . بنده عقیده دارم که همینقدر بنویسیم که ملزم است عزل وکیل را بمحکمه تقدیم کند برای اینکه این اشکالات دیگر پیدا نشود .

**مخبر** - ذکر این عبارت از این نظر بود که ممکن است شخص موکل وسیله مراسله یا اظهار نامه اینطوری که معمول است عزل وکیل را بخود وکیل اطلاع بدهد و بنا بر این وکیل موظف است که دیگر اقدامی نکند و یکی از طرفش هم این است که بخود محکمه اطلاع بدهد که در ماده ۶۴ ذکر شده است که وقتی بمحکمه رسید محکمه باو اخطار میکند بنا بر این عزل وکیل همیشه بمحکمه اطلاع داده نمیشود ممکن است هم بخود او اطلاع داده شود و ممکن است يك وکیل يك قراری را رؤیت کرده و اقداماتی بعمل آورده باشد که موکل چون میبیند بضررش است ادعا میکند این وکیل را من در يك هفته قبل باین دلیل معزول کرده بودم حالا ما میخواهیم در اینجا بگوئیم که عزل باید با اطلاع وکیل رسیده باشد تا برش اثری باز بشود و اگر به اطلاع او نرسیده باشد اثری ندارد نباید اظهار نامه به او ابلاغ شده باشد و او هم رؤیت کرده باشد ( صحیح است )

رئیس - موافقین با ماده شصت و سوم قیام فرمایند ( اکثر قیام کردند ) تصویب شد . آقای رئیس الوزراه فرمایشی داشتند ؟

[۳] معرفی آقای وزیر طرق و تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای رئیس الوزراء  
**رئیس الوزراء ( آقای محمود جم )** - چنانچه خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است اخیراً بواسطه مساعده در انجام وظیفه علی منصور وزیر طرق از خدمت منفصل شد و بر حسب اراده ملوکانه آقای مجید آهی والی فارس که یکی از مأمورین امین و با سابقه است باین سمت انتخاب شده است و بمجلس شورای ملی معرفی میشوند (نمایندگان صحیح است . مبارك است انشاء الله ) این هم يك لایحه ایست راجع به استعراض چهار میلیون ریال برای سد سازی بلدیة تبریز که تقدیم مجلس شورای ملی می شود .  
**رئیس -** بکمیسیون رجوع خواهد شد .  
**[۴ - بقیه شور لایحه اصول محاکمات حقوقی ماده ۶۴]**  
**رئیس -** ماده شصت و چهار قرائت میشود .  
 ماده ۶۴ - در صورتیکه وکیل استعفای خود را کتباً بمحکمه اطلاع دهد محکمه بموکل اخطار میکند که شخصاً یا بتوسط وکیل جدید محاکمه را تعقیب نماید  
**رئیس -** موافقین با ماده شصت و چهارم قیام نمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد . ماده شصت و پنجم قرائت میشود .  
 ماده ۶۵ - وکیلی که در وکالت نامه حق محاکمه در محکمه بالاتر هم باو داده شده و مجاز برای محاکمه در محکمه بالاتر باشد و یا حق تعیین وکیل مجاز برای محاکمه در محکمه بالاتر داشته باشد هرگاه پس از صدور رای و یا در موقع ابلاغ استعفا کند و از رؤیت امتناع نماید مؤثر در امر ابلاغ نیست و ابتداء مدت استیناف با تمیز از روز ابلاغ بوکیل محسوب است و هرگاه از این حیث خسارتی بموکل وارد شود وکیل مسئول خواهد بود . در مورد این ماده عرضحال استینافی و یا تمیزی وکیل مستعفی قبول میشود و مدیر دفتر محکمه مکلف است بموکل کتباً اخطار نماید که وکیل خود را تعیین و معرفی کند و اگر عرضحال بالنسب باشد نفس آنرا رفع نماید

**رئیس -** موافقین با ماده شصت و پنجم قیام نمایند ( عده زیادی برخاستند ) تصویب شد . ماده شصت و ششم :  
 ماده ۶۶ - ابلاغ حکم بوکیلی که حق محاکمه در محکمه بالاتر ندارد و یا مجاز برای وکالت در مرحله بالاتر نباشد و وکالت در تعیین وکیل مجاز هم نداشته باشد معتبر نخواهد بود  
**رئیس -** موافقین با ماده شصت و ششم قیام نمایند ( عده زیادی برخاستند ) تصویب شد . ماده شصت و هفتم :  
 ماده ۶۷ - در صورت فوت و یا در صورتی که وکیل بجهتی ممنوع الوکاله شود رسیدگی بدعوی توقیف میشود تا وقتی که موکل وکیل جدید معین کند یا ظرف مقابل اخطار او را از محکمه بخواهد و هرگاه بعد از احضار طرف غایب در موعد مقرر حاضر نشود و وکیل جدیدی معین نکند محکمه بخواهش طرف رسیدگی را مداومت میدهد اگر وکیل بعد از ابلاغ حکم و قبل از انقضاء مدت استیناف یا تمیز فوت کند و یا ممنوع از وکالت شود ابتداء مدت اعتراض یا استیناف و تمیز از تاریخ ابلاغ بموکل محسوب خواهند همین حکم جاریست در مورد بیکه وکیل توقیف شود یا بواسطه قوه قهریه ( فرس ماژور ) قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد .  
**رئیس -** موافقین با ماده شصت و هفت بر خیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . ماده شصت و هشتم  
 ماده ۶۸ - شروع برسیدگی در محاکم عدلیه محتاج بتقدیم عرضحال است  
**رئیس -** موافقین با ماده شصت و هشت قیام نمایند ( عده زیادی قیام کردند ) تصویب شد . ماده شصت و نهم :  
 ماده ۶۹ - عرضحال باید بزبان فارسی و در روی اوراق چاپی مخصوص نوشته شود مگر در نقاطی که اوراق مزبور در دسترس عموم نباشد - در موارد فوری ممکن است عرضحال تلگرافی باشد

در محاکم صلح ناحیه و همچنین نسبت به دعاوی که داخل در صلاحیت محاکم مزبوره است و بواسطه نبودن صلح ناحیه محکمه صلح محدود با محاکم بدایت رسیدگی می نمایند ممکن است عرض حال شفاهی باشد .  
**رئیس -** آقای دیبا  
**طباطبائی دیبا -** بنده عقیده ام این است که این جمله در روی اوراق چاپی این از جمله چیزهایی است که باید وزارت عدلیه در نظامنامه ذکر بکند و يك چیزی نیست که در قانون ذکر بشود . خاصه این عبارت مخصوص که اینجا خیلی مجمل است و معلوم نیست که مقصود از این مخصوص چه چیز است این است که بنده عقیده ام این است که اگر آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند این را مراجعه بدهند بنظامنامه این بهتر است . یکی هم اینکه باید عرضحال کتبی باشد و عرضحال شفاهی نمیشود در صورتیکه در آخر ماده صریحاً خیر ولی تلویحاً اشاره شده است که صلحیه های ناحیه عرضحال شفاهی را هم قبول میکنند و بنده عقیده ام این است که این قسمت هم صریحاً باید نوشته شود که عرضحال باید کتبی باشد و بعد از آن اضافه کنیم که در محاکم صلح ناحیه ممکن است شفاهی باشد این را باید تصریح کنند و الا عبارت آخر ماده اشاره است و صریح نیست .  
**وزیر عدلیه -** اینجا بیان کرد ند آقای دیبا باینکه لازم نیست اینجا نوشته شود در اوراق چاپی مخصوص اولاً عرض میکنم خیلی چیزها نوشتن آن اصولاً لازم نیست ولیکن برای اینکه يك دستور العمل باشد و اینهم قانون دستور العمل است که همه بدانند پس بهتر این است که نوشته شود و اما اینکه حتماً روی اوراق چاپی مخصوص باشد ممکن است که بگویند هر کس عرضحال میدهد روی هر چیزی میخواهد بنویسد ببرد بدهد . ولی این برای این است که وقتی مستندات محکمه از روی نظم و ترتیب و با دوسیمه باشد از برای رسیدگی سهلتر است از روی قواعد

نظامات و نظافت هم که باید ملحوظ گردد بهتر است که اوراق منظم باشد حالا اوراق مخصوص که وزارت عدلیه نمونه اش را تهیه خواهد کرد اگر لازم باشد نوشته میشود ولی محتاج نیست برای اینکه الآن هم يك اوراق مخصوص معمول است اصولاً قاعده کلی و زمینه این قانون اصول محاکمات این است که حق الامکان دعاوی بصورت منظم و روشن و با دلیل و با تمام تقاضاها و هر ایرادی که هست هر گفتگویی که هست اول بنویسد تا اینکه هر نظری هست در پیشگاه محکمه واضح باشد . که یکی از وکلای طرفین نباید ایرادی بکند و کار را معطل کند و محتاج بشوند به تجدید جلسه و اخطار بطرف و خواستن دفاع و توضیحات ازار و مرجه هم هست که هر چه هست در اول نوشته شود این نوشته ها هم باید منضبط باشد البته میدانید بعضی اشخاص هستند از روی صرفه جوئی و بی اعتنائی بقول معروف روی کاغذ عطاری يك چیزی را مینویسند اینها خوب نیست این است که اینجا ذکر شده و عیبی هم ندارد که اینجا نوشته شده است و چیز قابل هم نیست که محول بنظامنامه بکنیم .  
**رئیس -** موافقین با ماده ۶۹ قیام فرمایند . ( اکثر قیام نمودند )  
**رئیس -** تصویب شد ماده ۷۰ قرائت میشود :  
 ماده ۷۰ - در عرضحال باید نکات ذیل قید شود .  
 ۱ - اسم و اقامتگاه و سایر مشخصات مدعی و وکیل او در صورتیکه عرضحال را وکیل داده باشد .  
 ۲ - اسم و اقامتگاه و سایر مشخصات مدعی علیه  
 ۳ - تعیین مدعی به و قیمت آن مگر آنکه تعیین قیمت ممکن نبوده و یا مدعی به مالی نباشد .  
 ۴ - تمهیدات یا جهات دیگری که بموجب آن مدعی خود را مستحق مطالبه میداند بطوری که مقصود واضح و روشن باشد .  
 ۵ - آنچه را که مدعی از محکمه تقاضا دارد .  
 ۶ - ذکر تمام ادله و وسایل که مدعی برای اثبات ادعای

خود دارد از اسناد و نوشتهجات و اطلاع مطلعین و غیره ادله مثبتیه باید بترتیب و واضح نوشته شود و اگر دلیل شهادت شهود است مدعی باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنها را بطور صریح معین کند.

**رئیس آقای دیبا.**

**طباطبائی دیبا** - بنده در کمیسیون عدا ۴ هم عرض کردم با این عبارت سایر مشخصات بنده موافق نیستم و ممکن است که اسباب زحمت برای مدعی و مدعی علیه باشد خواستم عرض کنم مشخصات يك لفظ مبهمی است مثلاً ملاحظه بفرمائید هن مدعی هستم بريك نفر اولاً مدعی علیه را میتوانم تعیین کنم و اقامتگاه او را هم میدانم ولی مشخصات دیگر او را نمیدانم که مثلاً چه کاره است و در کدام اداره است و حقوق او چقدر است خیلی اشخاص ممکن است نفهمند و ندانند مشخصات يك عبارت مجملی است و اعم است در تمام این قضایا این است که بنده عقیده ام این است که اگر عوض مشخصات هویت نوشته شود و فقط نوشته شود اسم و اقامتگاه و هویت مدعی یا مدعی علیه دیگر عنوان مشخصات خوب نیست و اسباب اشکال میشود.

**رئیس - آقای دکتر جوان**

**دکتر جوان** - عرضی که بنده میخواستم عرض کنم آقای دیبا فرمودند راجع بجمله سایر مشخصات است که در کمیسیون هم مذاکره شد گویا منظور این است که تا ممکن است هویت مدعی و مدعی علیه بموجب يك مشخصاتی بیشتر روشن شود ولی بعقیده بنده همانطور هم که در قانون سابق بود با اسم و اقامتگاه و نام خانواده خوب مشخص میشود و بطور کلی قید مشخصات فرق میکند يك مشخصاتی است که نزد خود اوست دیگران نمیدانند مثلاً فرض بفرمائید يك کسی مریض است البته این چیزی نیست که بطور عرف و عادت گفت که فلانکس که مدعی علیه من است معمولاً ضعیف است و ناخوش است این ممکن است که نزد بعضی مشخص باشد ولی يك قیدی نیست که دائمی باشد و بوسیله آن کاملاً متمایز باشد با سایر اشخاص این است که بعقیده بنده اگر

بجای مشخصات نوشته شود نام خانواده همانطور که در قانون سابق بود کافی است و الا اگر غیر از این باشد ممکن است هر کس یا برای توهین بمدعی علیه یا برای نظر های دیگری يك مشخصاتی ذکر کند که هیچ لازم نباشد مثلاً در عرضحال بنویسد مثلاً فلان زید مریض یا غیر از این مشخصات دیگری ذکر کند که فردا هم نشود ایراد کرد و خواهد گفت که مطابق قانون مکلف بودم مشخصات را قید کنم این است که اگر نوشته شود نام خانواده کسی بهتر است.

**رئیس - آقای احتشام زاده.**

**احتشام زاده** - باید دید فلسفه اینکه در قانون در مورد عرضحال ذکر میکنند مشخصات مدعی علیه را ذکر کنند چیست. برای دو چیز است یکی این که مأمورین عدلیه و مأمورین ابلاغ بتوانند اوراق را بآب کسی که منظور است برسانند و یکی این که واقعاً در مواردیکه اشخاص ممکن است شبیه داشته باشند از جهت اسم و محل اقامت طوری باشد که بشخص دیگری نبرند بدهند و بآب کسی که طرف دعوی است ببرند ابلاغ کنند و اگر بخواهیم در قانون جزئیات مطلب را بنویسیم ممکن است در عمل دچار اشکال بشویم در پاره از مواقع تنها ذکر اسم يك آدم و محل اقامتش کافی است برای اینکه بدون اینکه سایر مشخصات آن را ذکر کنند آن شخص معلوم شود مثلاً فرض بفرمائید اسم پدر واقعاً خیلی اتفاق میافتد که مدعی اسم پدر کسی را که با او طرف است نمیداند و لزومی هم ندارد که بداند همان قدر که بداند آن مشخصاتی که برای شناختن طرف کافی است ذکر بکنند کافی است و نباید طوری کرد که در عمل اسباب زحمت و اشکال بشود بنظر بنده بطوریکه در قانون نوشته شده است مشخصات کافی باشد برای تشخیص دادن بطور کلی عرض کردم در يك مواردی که ممکن است لازم باشد اسم خود و خانواده کی و اسم پدر و محل اقامت طرف را بنویسند از لحاظ اینکه این آدم نظایری دارد که از جهت شغل و اسم و اسم پدر با هم شریک هستند آنوقت محل

اقامت مشخص میشود و بنظر بنده این عبارت کافی است از نظر عمل و تسهیل در کار و همینقدر که بتواند مدعی مشخصاتی را ذکر کند که مشخص بکند مدعی علیه را برای مأمور کافی است بدون اینکه وارد در جزئیات بشود که ممکن است در پاره از مواقع این جزئیات هم کافی نباشد با بعضی از مواقع این جزئیات اسباب زحمت و اشکال مأمورین بشود.

**رئیس - موافقین با ماده ۷۰ قیام فرمایند.**

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس - تصویب شد. ماده ۷۱:**

**ضمائم عرضحال**

**ماده ۷۱** - مدعی باید سواد اسنادی را که بآنها استناد کرده مصدق نموده ضمیمه عرضحال کند مقصود از سواد مصدق سوادى است که دفتر محکمه که عرضحال بآب جا داده میشود یا دفتر یکی از محاکم دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جائیکه هیچکس از آنها نباشد حاکم محل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آن را با اصل تصدیق کرده باشد.

در صورتیکه سواد سند در خارجه تهیه شده باشد باید در دفتر یکی از سفارتخانهها یا قنصلگری های ایران مصدق شود هرگاه اسناد مفصل باشد مثل دفتر تجارتنی یا اسانامه شرکت و امثال آن قسمتهائی که مدرک ادعا است خارج نویس شده ضمیمه عرضحال میگردد.

**رئیس - آقای دیبا.**

**طباطبائی دیبا** - در کمیسیون عدلیه يك مطلبی مذاکره شد که بنده عقیده ام این است که این عبارت رسا نیست و کافی نیست و آن این است که در محاکم عدلیه معمول نبود است که وکالتنامه طرف را ضمیمه اسنادش کنند آن کسی که مدعی است و ادعائی بر کسی دارد فقط آن اسنادی را که مشکلی است بآن اسناد باید سواد آن اسناد را ضمیمه کند ولی وکالتنامه را بنویسند است و وکالتنامه

را معین نمیکند در صورتیکه بعقیده بنده آنها لازم است ممکن است که مدعی علیه وکالت نامه را که دید بفهمد که آن وکیل در این محاکمه سابقه دارد و نمیتواند مداخله کند از این قبیل چیزها ممکن است این است که سواد وکالت نامه هم باید ضمیمه شود و برای طرف بفرستند ولی این عبارت که مدعی باید سواد اسنادی را که بآنها استناد کرده مصدق نموده ضمیمه عرضحال کند. سواد اسنادی که مدرک ادعای اوست وکالت نامه را این عبارت شامل نیست این را بنده عقیده ام این است که در صورت موافقت آقای وزیر عدلیه ضمیمه شود که وکالت نامه را هم سواد کنند و ضمیمه اسناد دیگر برای طرف بفرستند.

**مختبر** - عرض کنم که ماده ۷۱ دارد که سواد مصدق اسنادی را که بآن استناد میکنند ضمیمه کنند قسمت وکالت نامه ماده ۷۴ است که هنوز نرسیده ام بهش ماده ۷۳ است که ماده ۷۲ میشود که عرضحال و کلیه اوراق ضمیمه آن باید در دو نسخه باشد کلیه اوراق ضمیمه است یکی هم وکالت نامه است و اگر ضمیمه شود بهتر است برای اینکه طرف یکی از ایراداتی که حق دارد بکنند ایراد بوکالت طرف است.

**رئیس - آقای احتشام زاده.**

**احتشام زاده** - موافقم.

**رئیس - موافقین با ماده ۷۱ قیام فرمایند.**

(اکثر برخاستند)

**رئیس - تصویب شد ماده ۷۲:**

**ماده ۷۲** - در صورتی که اسناد بزبان فارسی نباشد باید علاوه بر سواد سند ترجمه آن نیز ضمیمه عرضحال شده دازنده سند صحت ترجمه آنرا تصدیق کند و اگر سواد سند مصدق نباشد باید مطابقت آن را با اصل نیز تصدیق کند.

**رئیس - موافقین با ماده ۷۳ قیام فرمایند.**

(جمع زیادی قیام نمودند)

**رئیس - تصویب شد ماده ۷۲.**

ماده ۷۳ - اگر عرضحال توسط وکیل داده شده باید وکالت نامه وکیل در صورتی که عرضحال را قیم داده سواد مصدق قیم نامه و بطور کلی سواد سندی که مثبت سمت عرضحال دهنده است نیز باید ضمیمه عرضحال شود.

رئیس - موافقین با ماده ۷۳ قیام فرمایند.  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۷۴ :

ماده ۷۴ - عرضحال و کلیه اوراق ضمیمه بآن باید در دو نسخه و در صورت تعدد مدعی علیهم بده مدعی علیه هم بملأوه يك نسخه باشد.

رئیس - موافقین با ماده ۷۴ قیام فرمایند.  
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۷۵ :

ماده ۷۵ - تاریخ تقدیم عرضحال باید شمسی و با تمام حروف نوشته شود و عرضحال دهنده ذیل آن را امضاء کند و در صورت عجز از امضاء مهر یا اثر انگشت خود را بگذارد و شخص دیگری مهر یا اثر انگشت او را تصدیق کند.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - اینجا نوشته شده که عرضحال دهنده ذیل آنرا امضاء کند البته مقصود این است که ذیل عرضحال را امضاء کند ولی این عیازت این معنی را نمیرساند مثل اینست که باید ذیل تاریخ را امضاء کند اینست که اگر آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند که اینجا نوشته شود که عرضحال دهنده ذیل عرضحال را امضاء کند بهتر اینست چون این جا نوشته است : تاریخ عرض حال باید شخصی باشد و عرض حال دهنده ذیل آنست را امضاء کند.

وزیر عدلیه - این جا (آن) ضمیر است و راجع است به عرضحال و از جمله نظر اینکه تکرار شود (آن) ذکر شده است و (لاالیه) معلوم است معنی عرضحال را باید امضا کند.

رئیس - موافقین با ماده ۷۵ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۷۶

ماده ۷۶ - دعای متعدده را که منتهیاً و مبنای آن مختلف است نمی توان به موجب يك عرض حال اقامه نمود مگر آن که دعای مزبوره طوری مربوط باشد که محکمه بتواند بتمام آنها در ضمن يك محاکمه رسیدگی کند

رئیس - موافقین با ماده ۷۶ برخیزند (اغلب برخاستند)  
تصویب شد ماده ۷۷

ماده ۷۷ - عرض حال به دفتر محکمه صلاحیت دار داده می شود و در نقاطی که محکمه دارای شعب متعدد است بدفتر شعبه اولی

رئیس - موافقین با ماده ۷۷ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۷۸

ماده ۷۸ - مدیر دفتر محکمه بلافاصله پس از وصول عرضحال باید آنرا ثبت کرده رسیدی مشتمل بر اسم مدعی و مدعی علیه و تاریخ تسلیم روز و ماه و سال با ذکر نمره ثبت بتقدیم کننده عرضحال بدهد و در روی کلیه اوراق عرض حال تاریخ تسلیم را قید کند تاریخ وصول عرض حال به دفتر تاریخ اقامه دعوی محسوب می شود.

رئیس - موافقین با ماده ۷۸ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۷۹

ماده ۷۹ - هرگاه محکمه دارای يك یا چند شعبه باشد مدیر دفتر باید فوراً عرض حال را بنظر رئیس اول برساند تا رئیس مزبور آن را بضمیمه که باید رسیدگی کند ارجاع نماید

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عبارت آخر این ماده طوری نوشته شده است که بمقتضای احتیاج اصلاح است می نویسد : رئیس شعبه اولی آنرا بضمیمه که باید رسیدگی کند و این عمل اینست که يك صورتی از هر بنامی است برای ارجاع

عرضحال ها در صورتی که منظور این نیست بلکه نظر اینست که رئیس شعبه اول یکی از شعب برای رسیدگی ارجاع کند این است که بنده يك پیشنهادی تقدیم کرده ام که این عبارت اصلاح شود.

پیشنهاد آقای احتشام زاده :

پیشنهاد میکنم ماده ۷۹ بطریق ذیل اصلاح شود :

تا رئیس مزبور آنرا یکی از شعب ارجاع نماید

وزیر عدلیه - صحیح است بنده هم موافقت میکنم.  
مخبر - بنده هم موافقت میکنم.

رئیس - آقایانی که با ماده ۷۹ با اصلاحی صکه آقای وزیر عدلیه و آقای مخبر کیسیون قبول کردند موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد آقای وزیر عدلیه

[۵ - تقدیم يك قسمت از لایحه اصول محاکمات از طرف آقای وزیر عدلیه]

وزیر عدلیه - لایحه ایست که مشتمل است بر يك قسمت دیگر از اصول محاکمات که تقدیم میکنم برای اینکه برود بکمیسیون

رئیس - بکمیسیون ارجاع میشود ماده ۸۰

[۶ - بقیه شور لایحه اصول محاکمات حقوقی]

موارد رد عرضحال

ماده ۸۰ - در موارد ذیل در ظرف دو روز از تاریخ وصول عرضحال مدیر دفتر آنرا بنظر حاکم محکمه رسانده و بموجب قرار محکمه که منتهی در ظرف دو روز باید صادر شود عرضحال رد خواهد شد

۱ - وقتی در عرضحال مهین نشده باشد مدعی کیست

۲ - وقتی که محل اقامت مدعی به هیچ وجه معلوم نباشد

در موارد فوق محکمه قرار رد عرضحال را داده سواد این قرار را که باید حاوی علت رد باشد مدیر دفتر در دفتر محکمه بدیوار الصاق میکند و در مدت ده روز سواد مزبور باید بدیوار محکمه باقی باشد

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در یکی از مواردیکه در این ماده برای رد عرضحال قید شده است این را مینویسد که محل اقامت مدعی معلوم نباشد با این ترتیب اگر از طرف مدعی غفلت شود و محل اقامت خود را معین نکند اگر این مورد را از موارد توقیف بگیریم بهتر است تا اخطار رفع نقیصه شود باو

که محل اقامت مدعی معلوم نیست بر طبق اصول کلی و دستور کلی که برای نظائر این هست این اخطار را بدیوار محکمه الصاق کنند هر وقت پیدا شد و با مراجعه باین اخطار ناقص عرضحال خود را رفع کرد و تصریح کرد عرضحال بجزریان می افتد ولیکن چنانچه مدعی آمد و بوسیله الصاق بدیوار اخطار شد باو و تکمیل نکرد آنوقت رد می شود بنظر بنده با این ترتیب يك تسهیلی در کار میشود چون ضرری هم ندارد اگر حضرت آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند برای رفع این نقیصه اینطور در نظر گرفته شود که چون محل اقامت مدعی معلوم نیست اخطار را بدیوار محکمه الصاق کنند هر وقت مدعی حاضر شد و آمد عرضحال خود را نقیصه اش را رفع کرد آنوقت عرضحال بجزریان بیفتد و الا همینطور عرضحال میماند

وزیر عدلیه - جهتی که آقای احتشام زاده بیان کردند شامل فقره اول هم هست یعنی وقتی که مدعی معلوم نباشد کیست ممکن است عرضحال را بدیوار الصاق کنند تا آن مدعی را که محکمه نمیشناسد و معلوم نیست خودش بیاید و خود را معرفی کند پس این اختصاص به فقره دوم ندارد ولی ترتیب ضابطه کلی و تنظیم امور بهم میخورد محکمه باید مدتی منتظر باشد و دیوار اطافش را هم پر کند از این اوراق خوب مدعی که محل اقامت و هویتش را معین نکند باید این نوع عرضحال ها رد بشود تا اینکه بدانند باسقی محل اقامت مدعی معلوم باشد و همینطور تمام جهات را بپوشند

مخبر - فرض کنیم در ماده ۸۰ فوق دوم از ماده ۸۰ موارد توقیف ذکر شده است وقتی که فقرات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ -

۶ - از ماده ۶۹ و مقررات مواد ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - رعایت نشده باشد. اینجا چون يك ماده پیشنهاد شد نمرات مواد تغییر میکنند و همینطور میشود وقتی که فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - از ماده ۷۵ و مقررات مواد ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - رعایت نشده باشد  
**رئیس - آقای دیبا**  
**طباطبائی دیبا -** در این ماده مسئله رد عرضحال و صدور قرار بسته است باین دو مطلب اول وقتی که عرضحال معلوم نشود از کیست دوم وقتی که محل اقامت مدعی بهیچوجه معلوم نباشد در صورتیکه در ماده ۶۸ قید شده است که عرضحال باید بزبان فارسی باشد اگر یکی آمد عرضحال داد ولی بزبان فارسی نشد آنهم از مواردی است که باید رد شود و قرار هم صادر شود این عقیده بنده است و باید تصریح شود  
**مخبر -** عرض کنم منظور آقای دیبا در ماده ۸۰ تأمین شده یعنی ماده ۸۱ که حالا قرائت میشود  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۰ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۱ :  
 موارد توقیف عرضحال  
 ماده ۸۱ - در موارد ذیل عرضحال قبول ولی برای اینکه بجزریان افتد باید تکمیل شود  
 ۱ - در صورتیکه بعرضحال و ضمانت آن مطابق قانون تمیز الصاق نشده و یا در نقاطی که تمیز موجود نیست مخارج مزبور تأدیبه نشده باشد  
 ۲ - وقتی که فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ از ماده ۷۰ و مقررات مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ رعایت نشده باشد  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۱ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۲  
**ماده ۸۲ -** در موارد فوق مدیر دفتر محکمه در ظرف دو روز نقائص عرضحال را بطور تفصیل مدعی مکتوباً اطلاع داد و از روز ابلاغ پنجم روز با رعایت مدت مساوت با مهلت میدهد که نقائص را رفع کند و در صورتی

که در موعد رفع نمود محکمه قرار رد عرضحال را میدهد این قرار بمدعی ابلاغ شده مشار الیه میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از آن استیناف بخواهد.  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۲ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۳  
 فصل دوم - در تقویم مدعی به  
**ماده ۸۳ -** قیمت مدعی به از نقطه نظر صلاحیت و مخارج محاکمه مبلغی است که در عرضحال قید شود  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۳ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۴  
**ماده ۸۴ -** تقویم مدعی به بطریق ذیل به عمل میآید:  
 ۱ - اگر مدعی به وجه باشد قیمت آن عبارت است از مبلغ معین در عرضحال  
 ۲ - در دعاوی چند نفر مدعی که هر يك یکقسمت از کل را مطالبه مینمایند قیمت مدعی به مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت هائی که مطالبه میشود  
 ۳ - در دعاوی راجعه بمنافع و حقوقی که باید بمواعد معینه استیفاء و یا پرداخته شود قیمت مدعی به حاصل جمع تمام اقساط و منافعی است که مدعی خود را ذبحق در مطالبه آن میداند - در صورتیکه حق مزبور محدود بزمان معین نبوده یا مادام العمر باشد قیمت مدعی به مساویست با حاصل جمع منافع ده ساله یا آنچه را که در ظرف دهسال باید استیفاء کند  
 ۴ - در دعاوی راجعه باموال غیر وجه و حقوق مالی قیمت مدعی به مبلغی است که مدعی در عرضحال معین کرده و مدعی علیه در او این لایحه خود در محاکمات عادی و با اولین جلسه در محاکمات اختصاری آن را تکذیب نکرده است  
 در مواردیکه تعیین قیمت مدعی به در ابتداء دعوی ممکن نیست قیمت مدعی به بیش از پنجهزار ریال محسوب است مگر آنکه اجمالاً کمتر بودن قیمت معلوم باشد.  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۴ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۵

ماده ۸۵ - در مواردیکه ما بین متداعیین در تعیین قیمت اموال یا حقوق مالی که موضوع ادعا است اختلاف شود حد وسط قیمت هائی که متداعیین معین کرده اند مدعی به محسوب میشود یعنی قیمتی را که مدعی و مدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع را تنصیف میکنند و هر گاه مورد اختلاف ما بین متداعیین زیاد باشد یا محکمه مطلع شود که قیمت واقعی با قیمت اظهار شده تفاوت فاحش دارد به تحقیقات محلی و استعمال عقیده اهل خبره قیمت واقعی معین شود.  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۵ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۶  
 فصل سوم  
 در جریان عرضحال تا جلسه محاکمه - مبحث اول -  
 در ابلاغ عرضحال  
 ماده ۸۶ - مدیر دفتر محکمه باید در ظرف دو روز از تاریخ وصول عرضحال در صورتیکه عرضحال ناقص باشد از تاریخ رفع نقائص يك نسخه از آن را با منضمات در دوسیه مخصوص که برای دعوت ترتیب میدهد ضبط و نسخه دیگر را با ضمانت برای ابلاغ بمدعی علیه بمأمور ابلاغ تسلیم کند و در کلیه نسخ عرضحال شعبه که بدعوی رسیدگی خواهد کرد واسم مأمور ابلاغ و تاریخ تسلیم عرضحال را بمأمور قید نماید.  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۶ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۷  
 ماده ۸۷ - ابلاغ عرضحال و منضمات باید بتوسط مأمور ابلاغ بعمل آید و مأمور مزبور مکلف است آن را در ظرف دو روز بشخص مدعی علیه ابلاغ کند و در صورت امتناع مدعی علیه از گرفتن اوراق امتناع او را به تصدیق دو نفر شاهد از اهل محل در ورقه ابلاغنامه قید و بدفتر محکمه عودت دهد.  
**رئیس -** آقای دکتر ادهم  
 دکتر ادهم - عرض بنده راجع به ماده قبلیش بود که

راجع به آدرس مدعی بود که در مواقیمکه عرضحال تسلیم دفتر محاکمات میشود خود دفتر مکلف باشد در صورتیکه آدرس مدعی ذکر نشده است از عرضحال دهنده آدرسش را سؤال کند و در ذیل عرضحال یاد داشت کند که اسباب سرعت و سهولت کار باشد که تولید زحمت نکند.  
**رئیس -** آقای احتشامزاده  
**احتشامزاده -** نظریه آقای دکتر اگر چنانچه مشکلائی میداشت ممکن بود که رفع کرد و قابل قبول بود. ولی چون همیشه خود عرضحال دهنده به محکمه نمی آید که عرضحال خود را بدهد یا بوسیله پست میفرستد یا بوسائل دیگر که وسیله برای تعیین آدرس مدعی نیست و بملاوه همیشه اوقات در محاکم مدیر دفتر متصدی دریافت عرضحال نیست يك عضوی که ثبات است و مأمور ارسال مراسلات است او عرضحال را میگیرد و او ممکن است یا وقت این کار را نداشته باشد و یا صلاحیت نداشته باشد که رسیدگی کند و متوجه شود و به بیند که در عرضحال آدرس نوشته شده یا نوشته است يك همچو آدمی عرضحال را میگیرد بنا براین مشکل است که این نظریه را در این جا قید کنیم و همانطور که در ماده قبل تصویب شد اگر چنانچه مدعی غفلت کرد از اینکه مکان مدعی علیه را بنویسد بآن ترتیبی که در ماده ذکر شده است عمل خواهد شد بنا بر این پذیرفتن پیشنهاد و نظریه آقای دکتر از این جهت که عملی نیست و ممکن است اشکالی تولید شود قابل قبول نیست.  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۷ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۸  
 ماده ۸۸ - هر گاه مأمور نتواند عرضحال را بشخص مدعی علیه برساند باید در محل اقامت او از اهل خانه یا کسان مشارالیه که در محل متصدی امور او هستند و یا یکی از همسایگان در صورتیکه همسایه نهاد کند آن را بمدعی علیه برساند ابلاغ کند.  
**رئیس -** موافقین با ماده ۸۸ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۸۹



ماده ۸۹ - اگر اهل خانه یا کسان مدعی علیه نتوانند بواسطه بی سوادى یا بجهت دیگری رسید بدهند مأمور ابلاغ عرضحال و ضمائم آنرا با حضور دو نفر شاهد از اهل محل به آنها تسلیم کرده مراتب را در ورقه ابلاغنامه قید و بامضای شهود میرساند و در صورتیکه اشخاص مذکور از گرفتن اوراق استنکاف کنند امتناع آنان را بتصدیق شهود رسانیده اعلامیه خطاب بمدعی علیه متضمن مراتب مذکوره و دعوت مشارالیه در مراجعه بدفتر محکمه که بدعوی رسیدگی خواهد نمود ترتیب داده بدرب اقامتگاه او الصاق میکند

رئیس - موافقین با ماده ۸۹ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است. مخالفی نیست. رأی گرفته میشود بمجموع این قانون موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

[ ۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم. جلسه آینده روز یکشنبه ۵ بهمن ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده

(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی .. حسن اسفندیاری